

# نسخه

دوفصلنامه علمی ترویجی فلسفه اسلامی  
سال هفتم / شماره اول / پیاپی ۱۲ / بهار - تابستان ۱۴۰۰

## سرمقاله

بشر، از روزی که چشم به جهان گشوده، همواره بیننده پدیده‌هایی مادی بوده است. انس ذهن به ویژگی‌های پدیده‌های مادی، سبب می‌گردد تا این ویژگی‌ها را به پدیده‌های فرامادی نیز نسبت دهد. از این رو می‌کوشد با انتساب ویژگی‌های مادی مانند زمان‌مندی، مکان‌مندی و... به حقیقت‌های فرامادی مانند خدا، آنها را برای خود مانوس و شناسا سازد. نتیجه این مغالطه ناخودآگاه، غلبه تشبیه بر دستگاه فاهمه است و به تصویرسازی‌هایی مادی از پدیده‌های فرامادی می‌انجامد.

بنابراین برخی فیلسوفان با آگاهی از این مغالطه، به تنزیه گرویده و حقیقت‌های فرامادی را به کلی از ویژگی‌های جهان مادی پیراستند و خدا را به مجرد مقید کردند. تنزیه صرفی که این گروه از فیلسوفان به حقیقت‌های فرامادی نسبت دادند، گرچه کاستی‌های تشبیه را برداشت، اما کاستی‌های تازه‌ای به بار آورد. برای نمونه اگر خدا به مجرد مقید گردد، نمی‌تواند در عالم مادی حضور یابد؛ زیرا مادی و مجرد مقابل یکدیگرند و اجتماع آنها نارواست. افزون بر این که تنزیه صرف، حقیقت‌های فرامادی را چیزی به کلی دیگر و فراتر از فهم، معرفی می‌کند و ذهن را از یافتن و ارتباط با آنها ناامید می‌گرداند.

در برابر این دو گروه که یکی به تشبیه محض و دیگری به تنزیه صرف، روی آوردند، گروه سومی قرار دارند که تشبیه و تنزیه را آمیخته به هم، روا می‌دانند. عارفان و درپی آنها حکمت متعالیه، خدا را وجودی لابشرط از مادی بودن و مجرد، می‌دانند. در نتیجه وجود خدا، در عین آن که در جهان مجرد و مادی حضور دارد (تشبیه)، اما به قید و رنگ هیچ‌یک از آنها در نمی‌آید (تنزیه). چنین تصویری از خدا از کاستی‌های تشبیه محض و تنزیه صرف، مبرا است. او بدون تقید به قیدها و ویژگی‌های جهان‌های مادی و مجرد، در آنها حضور دارد و

هر جهانی را از درون خود آن جهان و به وسیله قوا و ابزارهای خود آن جهان، اداره می‌کند. او بسیار نزدیک و در دسترس است و دستگاه فاهمه و شهود می‌توانند با اندکی ریاضت، نشانه‌ها حضور او در جهان‌های گوناگون را دریابند.

تصویری که عارفان و حکمت متعالیه از خدا به دست می‌دهند هم‌آهنگی بیش‌تری با متون دینی دارد؛ زیرا خدای دین نیز نزدیک است؛ «اذا سئلک عبادی عنی فانی قریب» (بقره: ۱۸۶). مقید به آسمان و زمین نیست، بنابراین در هر دو حضور دارد؛ «هو الذی فی السماء إله و فی الارض إله» (زخرف: ۸۴). سراسر جهان را پر کرده؛ «هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن» (حدید: ۳) و همواره با ماست؛ «هو معکم اینما کنتم» (حدید: ۴).

روح الله سوری